

آسیای مرکزی زیر سلطه عرب‌ها و ترکان: مقایسه‌ای

در نظام حکومت

فرهاد عطایی*

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

سیکا سعدالدین

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ - تاریخ تصویب:

۱۳۹۳/۰۴/۰۳)

چکیده

از زمان ظهور اسلام در پهنه آسیای مرکزی چند نوع امپراتوری حکم رانده‌اند؛ امپراتوری اعراب، شامل امویان و عباسیان، امپراتوری غزنویان و سلجوقیان، امپراتوری مغولان و تاتارها، و امپراتوری روس‌ها. دوران اقتدار امپراتوری عباسیان بیش از یک قرن و نیم دوام نیاورد و به تدریج حکومت‌هایی مستقل از شرقی‌ترین نقاط این امپراتوری سر برآوردند. نقش دستگاه خلافت تنها به مشروعیت بخشیدن به این حکومت‌ها محدود شد. در این نوشتار دستگاه دیوانی دو نوع از این امپراتوری‌ها، یعنی امپراتوری عباسیان و امپراتوری غزنویان و سلجوقیان بررسی و مقایسه می‌شود. روش پژوهش استفاده شده در این نوشتار، مراجعه به منابع دست اول، متون تاریخی و کلاسیک فارسی و پژوهش‌های موجود در این زمینه است. هدف نوشتار پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین وجوه تفاوت این دو امپراتوری چیست؟ ابتدا شکل روی کار آمدن امپراتوری عباسیان و دستگاه دیوانی آن، و شکل روی کار آمدن هر یک از امپراتوری‌های غزنویان و سلجوقیان و دستگاه دیوانی آنها بررسی می‌شود؛ سپس به سه مورد تفاوت دستگاه دیوانی عباسیان، غزنویان و سلجوقیان (میزان تمرکز در امپراتوری، نیروی نظامی، و تعدد دیوان‌ها) اشاره می‌شود.

کلید واژه‌ها

خلیفه، دستگاه دیوانی، سلجوقیان، سلطان، عباسیان، غزنویان، وزارت .

مقدمه

از زمان ظهور اسلام در پهنه آسیای مرکزی چند نوع امپراتوری حکم رانده‌اند؛ امپراتوری اعراب، شامل امویان و عباسیان، امپراتوری غزنویان و سلجوقیان، امپراتوری مغولان و تاتارها، و امپراتوری روس‌ها. دوران اقتدار امپراتوری عباسیان بیش از یک قرن و نیم دوام نیاورد و به تدریج حکومت‌هایی مستقل از شرقی‌ترین نقاط این امپراتوری سر برآوردند و نقش دستگاه خلافت تنها به مشروعیت بخشیدن به این حکومت‌ها محدود شد. در این نوشتار دستگاه دیوانی دو نوع از این امپراتوری‌ها، یعنی امپراتوری عباسیان و امپراتوری غزنویان و سلجوقیان که به دلیل شباهت‌های بسیار در شکل حکومت‌داری در یک گروه قرار می‌گیرند، بررسی و مقایسه می‌شود.

هدف پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین وجوه تفاوت این دو امپراتوری چیست؟ و با توجه به اهمیت و جایگاه دیوان سالاری در حکومت و شکل اداره مملکت، این نوشتار این بحث را بیشتر در قالب مقایسه میان دیوان سالاری در این دو حکومت بررسی می‌کند. بر این اساس، ابتدا شکل روی کار آمدن امپراتوری عباسیان و دستگاه دیوانی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به ترتیب شکل روی کار آمدن هر یک از امپراتوری‌های غزنویان و سلجوقیان و دستگاه دیوانی آنها بررسی می‌شود. در نهایت به سه مورد تفاوت دستگاه دیوانی عباسیان و غزنویان و سلجوقیان (میزان تمرکز در امپراتوری، نیروی نظامی، و تعدد دیوان‌ها) اشاره می‌شود.

در ابتدا، ذکر دو نکته ضروری است. اول آنکه اگرچه نهضت عباسیان علیه امویان از شرق آن امپراتوری در خراسان بزرگ و منطقه آسیای مرکزی امروز آغاز شد، اما پس از مدت کوتاهی مقر امپراتوری عباسیان هزاران کیلومتر دورتر از آسیای مرکزی و در بغداد قرار گرفت و آسیای مرکزی تنها بخشی از سرزمینهای پهناور زیر سلطه این امپراتوری محسوب می‌شد. در مورد غزنویان و سلجوقیان، آسیای مرکزی خاستگاه و مقر اصلی این امپراتوری‌ها بود. نکته دوم اینکه اگرچه در رأس امپراتوری عباسیان، یک خلیفه عرب و در رأس حکومت‌های غزنوی و سلجوقی، یک سلطان ترک قرار داشت، اما در هر دو امپراتوری، دستگاه پیچیده و گسترده دیوانی و نظام حکومتی که در عمل، حفظ و تداوم این امپراتوری‌ها را بر عهده داشت، با تغییراتی، ادامه همان نظام حکومتی امپراتوری ایران پیش از اسلام بود و بیشتر به دست ایرانیان اداره می‌شد.

ظهور امپراتوری عباسیان

پیش از روی کار آمدن عباسیان، خلفای اموی در حدود سال‌های ۱۳۲-۴۱ هجری قمری یعنی حدود ۹۱ سال بر سرزمین‌های اسلامی حکومت کردند. امویان کشورگشایی‌هایی را که از دوران

ابوبکر و عمر آغاز شده بود، ادامه دادند و آن را به اوج رساندند (اقبال آشتیانی، ۱۳۳۷، ص. ۷۷). خلافت در امویان موروثی بود و امپراتوری اموی، یک دولت عربی محض به حساب می آمد و شباهتی با خلافت معنوی و انتخابی خلفای راشدین نداشت (زرین کوب، ۱۳۷۳، ص. ۳۵۲). امویان عقیده داشتند که غیرعرب استحقاق برابری با عرب را ندارد. زیرا فضیلت غیرعرب همان اسلام او است که آن نیز از برکت وجود عرب است و به همین بهانه، مسلمانان غیر عرب را به صورت بندگان (موالی) خود در می آوردند و از دادن مشاغل مهم کشوری و دینی به آنها خودداری می کردند. بنابراین، از علت های اصلی نارضایتی از امویان، یکی بی اعتنائی خلفا به مقررات اسلامی و دیگری برتری اشراف عرب بود. عامل دوم نقش مهمی در سقوط رژیم امویان داشت. به همین دلیل، هنگامی که نفوذ خلافت دمشق در خراسان به دلیل اختلاف های داخلی از بین رفت، شرایط فروپاشی امویان آماده شد (اشپولر، ۱۳۶۹، ص. ۶۲-۶۱).

در مورد علت های ظهور دعوت عباسیان در خراسان نیز چند عامل قابل ذکر است. ۱) سیاست دولت اموی که مبتنی بر سیادت قوم عرب و تحقیر ملت های دیگر مانند ایرانیان بود، در خراسان این سیاست با خشونت و قساوت بیشتری همراه بود، به گونه ای که موالی از تمام حقوق مدنی و اجتماعی محروم بودند، ۲) بیشتر مردم خراسان از علاقه مندان خاندان پیامبر (ص) و متمایل به عقاید شیعیان بودند، ۳) عباسیان برای عمومی کردن دعوت و پیشبرد آن به افراد با نفوذ و مدبر و قدرتمند ایرانی که بیشتر در خراسان جمع بودند، نیاز داشتند (خضری، ۱۳۷۸، ص. ۵-۴).

از این پس، ایرانیان حقوق مساوی با اعراب داشتند و به جای اینکه ملیت ملاک تخصیص امتیازها قرار بگیرد، اسلام معیار تشخیص قرار گرفت (اشپولر، ۱۳۶۹، ص. ۷۵). امپراتوری عباسیان، یک امپراتوری مبتنی بر اصول اسلامی بود که در آن از مردم ملیت های مختلف به خدمت گرفته می شدند (کلوزنر، ۱۳۶۳، ص. ۱۴). آنها تشکیل ملت نظامی پیشه عرب را اشتباه دانستند و طیف گسترده ای از نخبگان سرزمین های اسلامی را به خدمت گرفتند و آنها به بالاترین مقام های نظامی و اجرایی منصوب شدند. بدین ترتیب، یک رژیم ائتلافی متشکل از گروه های عرب و غیرعرب، تشکیل شد (لاپیدوس، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۱-۱۲۰).

نکته مهم اینکه دستگاه خلافت نیز به گونه ای آشکار رنگ ایرانی داشت. برخلاف امویان که عنصر عربیت و بدوی خود را از دست ندادند، عباسیان به شدت تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفتند و به تقلید از تمام آداب و رسوم ایرانیان پرداختند (زرین کوب، ۱۳۷۳، ص. ۴۴۷). بنابراین، طبیعی بود که در امپراتوری عباسیان، که دیگر دوران فتوحات و کشورگشایی ها به پایان رسیده بود و زمان اداره امپراتوری فرا رسیده بود، با هدف پیشبرد هدف های امپراتوری و اداره

موفقیت‌آمیز آن، به ایجاد دستگاه دیوانی کارآمد، اقدام کنند. این امپراتوری دیگر فقط متعلق به اعراب نبود و از نخبگان سرزمین‌های در تصرفش که در اداره این سرزمین‌ها به مراتب با تجربه‌تر از اعراب بودند، بهره می‌گرفت. با این توضیح درباره شکل روی کار آمدن عباسیان، در بخش بعدی به بررسی دستگاه دیوانی امپراتوری عباسیان، ویژگی‌ها و شکل کارکرد آن می‌پردازیم.

دستگاه دیوانی امپراتوری عباسیان

عباسیان با به دست گرفتن قدرت، با این مسئله روبه‌رو شدند که چگونه این سرزمین پهناور را به‌گونه‌ای کارآمد اداره کنند. به همین دلیل، پایه نهاد وزارت و ایجاد دیوان‌های مختلف در امپراتوری عباسیان بنا نهاده شد و برای هرکدام از آنها قوانین مشخصی وضع شد. پیش از آن، وزارت قانون مشخصی نداشت، بلکه هریک از خلفا هنگامی که موضوعی پیش می‌آمد، با جمعی از اطرافیان صاحب رأی خود مشورت می‌کرد. هریک از آنها مانند وزیری محسوب می‌شد که پیش از عباسیان به آن کاتب یا مشیر می‌گفتند. اما نهاد ویژه‌ای که وظایف مشخصی به آن محول شده باشد، به‌شکلی که در امپراتوری عباسی دیده می‌شود، وجود نداشت (ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۲۰۶). به‌عبارت دیگر، با فتح ایران توسط اعراب، دستگاه اداری و دیوانی امپراتوری‌های ایران پیش از اسلام به دوره بعد از اسلام منتقل شد، اما تشکیلات رسمی وزارت در زمان عباسیان دوباره احیا شد (خسروبیگی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸).

باید تأکید کرد، از آنجا که بنی‌عباس خلافتشان را مدیون غیرعرب‌ها - به‌ویژه ایرانی‌ها - بودند، در اداره این امپراتوری نیز از توانایی و تخصص غیراعراب بهره جستند و به آنها فرصت خدمت دادند. بدین ترتیب، با توسعه دستگاه دیوانی و تشکیلات حکومتی در دوران عباسیان، قدرت وزیر نیز افزایش یافت. از مقتدرترین خاندان‌های وزارت در امپراتوری عباسی خاندان برمکیان بودند. از قدرتمندترین وزیران عباسی، یحیی برمکی، وزیر هارون‌الرشید بود. هارون او را پدر می‌نامید و همه امور خلافت را به او واگذار کرده بود. دیوان سالاری در دوران عباسیان به اندازه‌ای پیشرفت کرد و گسترش یافت که بعدها سامانیان نیز در ایجاد تشکیلات اداری خود از دیوان سالاری عباسیان در بغداد اقتباس کردند (خسروبیگی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹). البته خود دیوان سالاری بنی‌عباس نیز برگرفته از امپراتوری ساسانیان بود. در ادامه، درباره دیوان‌های گوناگون در دوران عباسیان به‌صورت جداگانه توضیح داده می‌شود:

۱. **دیوان جیش:** این دیوان در زمان خلیفه دوم، عمر و امپراتوری اموی که عصر فتوحات و کشورگشایی‌ها بود، اهمیت بیشتری داشت و در دوران امپراتوری عباسیان، تا اندازه‌ای از اهمیت

آن کاسته شد. این دیوان از دو مجلس، یکی مجلس تقدیر و دیگری مجلس مقابله تشکیل می‌شد. اولی وظیفه ارزیابی وضعیت سپاه، تعیین میزان حقوق کارکنان نظامی و پرداخت به موقع آن و دومی وظیفه بازرسی و بررسی اسناد و ثبت اسامی سپاهیان و وضعیت انبارهای خواربار و علوفه و رسیدگی به نامه‌ها را بر عهده داشت (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۵۴). عباسیان انحصار امور نظامی را از دست اعراب خارج و امتیازهای نظامی آنها را لغو کردند. نیروی نظامی جدیدی که آنها به وجود آوردند، به جای وفاداری به منافع قبیله‌ای و گروهی، به منافع امپراتوری وفادار بودند. بنابراین، آنها ارتشی متخصص و کارآموده را جایگزین ملت نظامی پیشه عرب کردند. ضمن اینکه آنها هنگامی که به قدرت رسیدند، توسعه‌طلبی‌های ارضی دوران امویان را کنار گذاشتند و نیروی نظامی را محدود کردند. عباسیان در تشکیل این ارتش از کسانی که توسط آنها امپراتوری امویان را از میان برداشته بودند، یعنی موالی و عرب‌های خراسانی و فرزندان آنها استفاده کردند (لاپیدوس، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۲-۱۲۱)،

۲. **دیوان برید:** این دیوان از دیوان‌های بسیار مهم عباسیان بود. در امپراتوری به این وسعت، برقراری ارتباط با سرزمین‌ها و ولایات پهناور قلمرو اسلامی ضروری بود. نظام پستی در این امپراتوری برگرفته از نمونه‌های قدیمی آن در دوران هخامنشیان بود. پست در خدمت حکومت قرار داشت و حمل کالا برای خلیفه و مأموران بلندمرتبه دولت، رساندن مأموران حکومت به مقصدشان و نیز ارسال فرمان‌های حکام و اخبار به خلیفه از وظایف این دیوان بود (اشپولر، ۱۳۶۹، ص. ۱۱۵). وظیفه دیگر آن رساندن اخبار مهم ولایات به دارالخلافه بود و این دیوان همانند چشم و گوش حکومت در نقاط مختلف امپراتوری بود (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۵۷-۵۶). اهمیت این دیوان به این دلیل بود که اخبار و گزارش‌هایی که از ایالات مختلف به مرکز خلافت می‌رسید، می‌توانست سبب عزل والی‌ها شود،

۳. **دیوان اعلی:** اعضای دیوان اعلی عالی‌ترین مقام‌های کشوری، لشکری و عالمان مذهبی بودند. این دیوان را دیوان رسائل و یا دیوان انشاء نیز می‌گفتند و پیمان‌نامه‌ها و احکام تصدی مقام‌ها و دیگر امور لشکری را تهیه می‌کرد (خوارزمی، ۱۳۶۲، ص. ۷۷). به عبارت دیگر، دیوان رسائل مسئول ثبت اسناد و انجام مکاتبات بود (لاپیدوس، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۳). اجرای احکام روزانه دربار نیز از وظایف این دیوان بود،

۴. **دیوان خراج:** انجام امور مالی و ثبت آن در دفاتر و دوایر مربوط وظیفه اصلی این دیوان بود. مقدار پرداختی خراج در این دیوان تعیین می‌شد و جمع‌آوری مالیات نیز توسط آن صورت می‌گرفت. این دیوان، اداره جمع‌آوری مالیات بود که از زمان خلیفه دوم تأسیس شده بود و شعبه‌های

آن در سراسر امپراتوری وجود داشت. از زمان منصور عباسی نیز وصول مالیات به فرمانداران ولایات واگذار شد. در گرفتن مالیات به رعایا بسیار ظلم می‌شد و اگر مردم نمی‌توانستند این میزان از مالیات را پرداخت کنند، دارایی شخصی آنان مصادره می‌شد (کانپوری، ۱۳۴۸، ص. ۱۳۴).

۵. **دیوان اشراف و دیوان استیفا:** از آنجا که در حکومت عباسیان دوره کشورگشایی پایان یافت، توجه حکومت به اداره امپراتوری معطوف شد، امور مالی و وضع قوانین و مقررات مربوط به آن، یکی از برنامه‌های مهم بود. به همین جهت دیوان‌های متعددی در حوزه امور مالی ایجاد شد که گاه همپوشی وظایف نیز پیدا می‌کردند. از آن جمله، دیوان اشراف بود که وظیفه نظارت بر مخارج و امور مالی و دخل و خرج دربار را بر عهده داشت و همکاری نزدیکی با دیوان استیفا داشت. از سوی دیگر نیز، دیوان اشراف همکاری نزدیکی با دیوان برید در ارتباط با گزارش‌ها و اخبار رسیده از نقاط مختلف امپراتوری داشت. وظیفه دیوان استیفا نیز، تنظیم کلیه امور مالی و دخل و خرج مملکت بود و سایر منابع درآمد امپراتوری مانند خراج، جزیه و انواع دیگر عوارض و مالیات نیز در این دیوان ثبت می‌شد (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۶۷-۶۶).

۶. **دیوان شرطه و احداث (یا شهربانی):** این دیوان ابتدا زیر نظر قاضی القضاة و وظیفه‌اش امنیت داخلی و حفظ جان و مال مردم بود و قاضیان آن حق داشتند به دعای رسیدگی کنند. رئیس کل این اداره می‌توانست تا مقام سپهسالاری ترفیع یابد (کانپوری، ۱۳۴۸، ص. ۱۳۷). احکام صادره در دیوان‌هایی مانند دیوان مصادرات که وظیفه‌اش تنظیم اسناد مربوط به اموال مصادره شده بود، و دیوان مظالم که نامه‌ها و شکایت‌های رسیده از سوی مردم را به اطلاع خلیفه می‌رساند و سپس دستور لازم را صادر می‌کرد، به این دیوان ابلاغ می‌شد و دیوان شرطه نیز وظیفه‌اش اجرای احکام بود. رئیس این دیوان که در واقع رئیس تأمینات بود، گاه امور مربوط به سربازان را بر عهده داشت که در سرپرستی عارض یا وزیر جنگ به تعهد خود عمل می‌کرد. در کنار آن، دیوان محتسب نیز قرار داشت که وظیفه آن اداره امور شهر، نظارت بر تعیین قیمت‌ها، نظافت شهر و مجازات محتکران و جلوگیری از کم‌فروشی و گرانفروشی بود (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۶۶). وظیفه اصلی محتسب، امر به معروف و نهی از منکر بود (کانپوری، ۱۳۴۸، ص. ۱۴۱).

۷. **دیوان الماء (دیوان آب):** این دیوان، آب را میان کشتکاران تقسیم می‌کرد و آنها نیز می‌توانستند آب را به سایر روستائیان بفروشند (کانپوری، ۱۳۴۸، ص. ۱۳۹). این دیوان نقش مهمی در تقسیم آب آشامیدنی و نیز آب مورد نیاز برای زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها بر عهده داشت. ساخت سد و تعیین خراج مالکان آب و افزایش یا کاهش خراج بر اساس میزان آب در دسترس آنان از دیگر وظایف این دیوان بود (خوارزمی، ۱۳۶۲، ص. ۶۹).

سایر دیوان‌های عباسیان که حکایت از توجه آنان به جزئیات امور مملکت‌داری داشت، عبارت بود از: دیوان توقیع و الدار که در آن دستورهای خلیفه ثبت می‌شد، دیوان خاتم که همه نامه‌هایی که به امضای خلیفه می‌رسید در این دیوان مهر می‌شد، دیوان جهیزه که وظیفه‌اش تحصیل‌داری، حسابرسی و بانکداری بود، دیوان البر و الصدقات که به امور خیریه و عام‌المنفعه می‌پرداخت، دیوان اوقاف که به املاک و اراضی موقوفه و مساجد رسیدگی می‌کرد و دیوان‌الضرب که یکسان کردن عیار مسکوکات در سراسر امپراتوری با هدف تسهیل تجارت را بر عهده داشت (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۶۷-۶۲).

امپراتوری عباسیان، امپراتوری متمرکز بود و دستگاه دیوانی آن در مقرر خلافت مستقر بود. از آنجا که، دیگر خلیفه سرگرم فتوحات نبود، تمرکز بیشتری بر دیوان‌ها و شکل اداره مملکت داشت و وزیران زیر نظر او انجام وظیفه می‌کردند. در سلسله عباسیان، همانند امپراتوری امویان، خلیفه بالاترین مقام را داشت. مفهوم خلافت با دور شدن از زمان حیات حضرت محمد (ص) کم‌کم از جانشینی پیامبر به خلافت یا جانشین خدا تغییر یافت. خلیفه برترین مقام دینی و نیز بالاترین مقام در اداره مملکت بود و وزیران در مقابل او مسئول و پاسخگو بودند. امپراتوری عباسیان تنها حدود ۱۵۰ سال، یعنی تا سال ۲۷۹ هجری قمری در اوج اقتدار بود و آنچه در مورد دیوان‌های گوناگون و کارکردهای آن و جایگاه خلیفه و وزیر توضیح داده شد، مربوط به این ۱۵۰ سال است.

به تدریج حکومت‌های محلی از اواخر قرن ۳ هجری قمری در شرقی‌ترین نقاط این امپراتوری سر برآوردند. نخستین آنها طاهریان (۲۵۲-۲۰۰ هجری) بود که در خراسان حکومتی مستقل تشکیل دادند. پس از آن، نوبت به صفاریان (۲۷۹-۲۴۰ هجری) رسید که در سرزمین سیستان حکومت مستقلی تشکیل دادند و با فتح نیشابور به حکومت طاهریان پایان دادند و قلمرو خود را تا شیراز، اهواز و اصفهان گسترش دادند (یعقوبی، ۱۳۵۶-۱۳۴۳، ص. ۴۷۳ و گردیزی، ۱۳۴۷، ص. ۱۳۱). در قرن چهارم هجری قمری، خراسان و ماوراءالنهر - آنچه امروز آسیای مرکزی نامیده می‌شود - تحت حکومت سامانیان بود و پایتختشان در بخارا قرار داشت. هنگامی که سامانیان در حال تحکیم قدرت خود بودند، حمایت معنوی خلیفه عباسی از آنان در برابر صفاریان بسیار ارزشمند بود (باسورث، ۲۳۵۶، ص. ۲۶-۲۵). پس از آنان نوبت به غزنویان رسید که در ادامه به توضیح شکل روی کار آمدن آنها و دستگاه دیوانی این امپراتوری می‌پردازیم.

ظهور امپراتوری غزنویان

در اوایل عهد عباسی، امرای این امپراتوری که به آنها اقطاع و حکومت بر ولایات اعطا می‌شد، خود خیلی کم به ولایات می‌رفتند و نایبان آنها امور ولایات را انجام می‌دادند. زیرا دوری از درگاه خلافت این خطر را داشت که رقیبی برای حکمرانی بر آن ولایت پیدا شود و با بدبین کردن خلیفه نسبت به این شخص، حکمرانی بر آن ولایت را از دست این شخص خارج کند. به تدریج این امرای و اقطاع داران در محدوده قلمرو خویش صاحب قدرت شدند و برای خلیفه تنها هدایایی مختصر می‌فرستادند و خطبه و سکه همچنان به نام خلیفه بود. به مرور زمان این امرای بزرگ ادعای استقلال کردند و به ویژه در ولایاتی که از مرکز خلافت دورتر بود، از دستور خلیفه سر باز زدند (زرین کوب، ۱۳۷۳، ص. ۴۸۴). بیشتر پادشاهی‌های ایران در این دوره به همین صورت شکل گرفت؛ غزنویان و سلجوقیان از جمله این پادشاهی‌ها بودند. سبکتکین و الپتکین مأموران نظامی سامانیان بودند که به قدرت دست یافتند و امپراتوری غزنویان را بنیان گذاشتند. پس از سبکتکین محمود موفق شد تا قدرت را به دست آورد. قلمرو وسیعی که محمود در دوران حکمرانی خود به وجود آورد، سبب شد تا ضرورت ایجاد تشکیلات اداری و دستگاه دیوانی احساس شود. به دلیل سابقه کوچ‌نشینی و زندگی صحرائشینی در میان اقوام ترک، در گذشته چنین ادارات و سازمان‌هایی وجود نداشت. این سازمان‌ها برخی بر اساس دستگاه دیوانی در زمان سامانیان بود و برخی نیز به دوران ساسانیان باز می‌گشت (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۱۷۶-۱۷۴).

غزنویان در تمام دوران حکومت خود، قدرت خود را مدیون فتوحات نظامی و کارآمدی بالای افراد ارتش بودند. به همین دلیل، با متوقف شدن فتوحات، ارتش آنها نیز دچار تزلزل و انحطاط شد (زرین کوب، ۱۳۷۹، ص. ۴۲۲-۴۲۰). حکومت‌های پس از امپراتوری عباسیان، توسط نخبگان نظامی غیر بومی و خارجی به وجود آمدند. این نخبگان نزدیکی نژادی، فرهنگی، زبانی و یا تاریخی با مردمی که تحت سلطه آنها بودند، نداشتند. ویژگی آنها این بود که حکومت آنها توسط غلام‌هایی ایجاد شده بود که به تدریج به بالاترین مقام‌ها رسیدند و ارتش آنها متشکل از همین غلام‌ها بود. اما نکته مهم این بود که غلام بودن این افراد، موقعیت اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌داد، بلکه موقعیت اجتماعی آنها به موقعیت اجتماعی سرورشان بستگی داشت. برای نمونه، جایگاهی که برای غلام سلطان متصور بود، فرماندهی سپاه یا وزارت دولت بود و برده فرمانده سپاه می‌توانست به مقام یکی از فرماندهان نظامی دست یابد. بنابراین، غلام دارای شأن و موقعیت اجتماعی پایینی نبود (لاپیدوس، ۱۳۸۱، ص. ۲۲۳).

این مسئله بیانگر میزان بالای تساهل و تسامح در جامعه و ساختار اجتماعی است که در زمان خود کم نظیر و شگفت‌انگیز است؛ به این معنی که یک غلام برده می‌تواند تا جایی جایگاه اجتماعی خود را ارتقا ببخشد که در رأس یک امپراتوری قرار بگیرد. غلام‌هایی که مؤسس این امپراتوری بودند، تجربه‌ای در اداره یک امپراتوری کشاورزپیشه و یکجانشین نداشتند و بیشتر توانایی آنها در امور نظامی و فتوحات و کشورگشایی بود. از این‌رو، افرادی با تخصص‌های گوناگون را به استخدام خود درآوردند و به ایجاد دستگاه دیوانی اقدام کردند. ضمن اینکه، این افراد نیز از اینکه یک رژیم نظامی پیشه با سابقه چادرنشینی بتواند از مسیرهای تجاری و زمین‌های کشاورزی در برابر هجوم سایر اقوام چادرنشین دفاع کند، خرسند بودند (لاپیدوس، ۱۳۸۱، ص. ۳۳۹).

بدین ترتیب، از این پس امپراتوری‌هایی به وجود آمد که در رأس آن، یک فرد ترک قرار داشت؛ اما اداره این امپراتوری و دیوان‌های گوناگون آن و دستگاه قضا در دست ایرانیان بود و زبان دربار از عربی به فارسی تغییر کرد. در بخش بعدی به توضیح دستگاه‌های دیوانی در امپراتوری غزنوی و مقام‌های مربوط به هر دیوان می‌پردازیم.

دستگاه دیوانی امپراتوری غزنویان

نقش و جایگاه وزیر اعظم در رأس تشکیلات دیوانی و اداری در این امپراتوری حتی در مقایسه با امپراتوری عباسی مهم‌تر و بالاتر بود. به بیانی دیگر، در این امپراتوری‌ها، منصب وزارت مهم‌ترین مقام اداری و دیوانی بود. البته سابقه قرارگرفتن وزیر در رأس تشکیلات اداری و دیوانی به امپراتوری‌های ایران پیش از اسلام باز می‌گردد (خسروبیگی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۸). هرچند که بنا به تعریف، وزیر شخص دوم مملکت پس از سلطان به حساب می‌آمد، اما در عمل در اداره امپراتوری وسیع آن دوره و نظارت بر امور امپراتوری مقام اول بود. همچنان که به نقل از نویسنده تاریخ بیهقی، سلطان مسعود غزنوی در هنگام واگذاری وزارت به خواجه احمد حسن پیام داده بود که «من همه شغل‌ها بدو خواهم سپرد مگر نشاط و شراب و چوگان و جنگ و در دیگر چیزها همه کار وی را باید کرد و به رأی و دیدار وی هیچ اعتراض نخواهد بود» (بیهقی، ۱۳۲۴، ص. ۱۵۲). هنگام واگذاری وزارت به او نیز، مسعود در حضور بزرگان حکومتش گفت: «خواجه خلیفت ماست در هرچه به مصلحت باز گردد و مثال و اشارت وی روان است در همه کارها، و هرآنچه بیند کس را اعتراض نیست» (بیهقی، ۱۳۲۴، ص. ۱۵۵).

مهم‌ترین دلیل جایگاه بسیار رفیع وزیر در این نوع حکومت‌ها این بود که در اصل در این امپراتوری‌ها وقت شاهان صرف فتوحات و کشورگشایی می‌شد و امور مربوط به سپاهیان و لشکر زیر نظر مستقیم شخص شاه قرار داشت، درحالی که امر اداره امپراتوری و تدبیر مُلک در دست وزیران، دبیران، مستوفیان و سایر دیوانیان بود. وزیر در امور مربوط به سپاه، چندان اختیاری نداشته است و سلاطین غزنوی نیز امور جنگ را از وظایف وزیر کنار می‌گذاشتند و خود به‌صورت مستقیم بر امور سپاهیان نظارت داشتند، اما در عین حال حتی در این مورد نیز، امور اداری و مالی سپاهیان که از راه دیوان عَرَض انجام می‌شد، زیر نظر وزیر بود (خسرویگی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۰). با این توضیح درباره جایگاه وزیر، اینک به معرفی مهم‌ترین دیوان‌های امپراتوری غزنوی می‌پردازیم:

۱. **امور لشکری و دیوان عرض:** کلیه امور مربوط به لشکریان و سپاه بر عهده این دیوان بود که ریاست آن را عارض (وزیر جنگ) بر عهده داشت. وظیفه دیوان عرض تنظیم قوانین و مقررات مربوط به سپاه، تهیه آمار و ثبت اسامی لشکریان و پرداخت حقوق لشکر بود. عارض نیز وظیفه داشت که بر همه نمایندگان خود در ولایات در اجرای مسئولیت‌های دیوان عرض نظارت کند (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۱۸۲). امپراتوری غزنوی ماهیتی نظامی و امپریالیستی داشت، بدین معنی که به‌شکل مداوم با جنگ بر سرزمین‌های دیگر سلطه می‌یافت و از منابع انسانی، کشاورزی و ذخایر امیران و معبدها بهره‌مند می‌شد. از این‌رو، این دیوان از مهم‌ترین دیوان‌ها در امپراتوری غزنوی بود. دستگاه نظامی غزنویان از حکومت‌های پیش از خود نیز متأثر بود. از جمله، هسته اصلی نیروی نظامی در این امپراتوری را سربازان برده یا غلامان تشکیل می‌دادند که به وفاداری به شخص سلطان متعهد بودند و از ملیت‌های مختلف تشکیل می‌شدند.

سیر تکامل ارتش‌ها از یک ارتش مبتنی بر عضوگیری قبیله‌ای به ارتش‌های مزدور و حرفه‌ای سبب افزایش هزینه دولت می‌شد (باسورث، ۲۵۳۶، ص. ۶۲). می‌توان گفت که امپراتوری غزنوی به ارتش سالاری گرایش داشت، نهاد ارتش بیشترین اعتبار را در امپراتوری داشت و در آن تنوع نژاد سپاهیان وجود داشت. ارزش لشکریان امپراتوری‌های ترک در وابستگی محلی نداشتن آنان بود (باسورث، ۲۵۳۶، ص. ۹۶). زیرا آنها از مردم بومی نبودند، هیچگونه تعلق شخصی و محلی نداشتند و ذهن آنها تنها معطوف به وفاداری به سلطان بود و این امر کارایی آنها را افزایش می‌داد. در کنار عارض که دیوان عرض را اداره می‌کرد و پس از سلطان بالاترین مقام نظامی بود، حاجب بزرگ و یا حاجب‌الحجاب وجود داشت که به‌نوعی وزیر دربار بود و بر امور لشکری نیز نظارت داشت. همچنین مقامی نیز به نام سالار غلامان سرایی (رئیس غلامان خاصه شاه، غلامان سلطانی) بود که رئیس دسته غلام‌های مخصوص سلطان بود (خواجه نظام الملک، ۱۳۶۴، ص. ۱۳۰).

اهمیت امور نظامی در این امپراتوری به دلایل سیاسی و اقتصادی نیز بود، زیرا منبع اصلی درآمد غزنویان مانند سایر امپراتوری‌های امپریالیستی به کشورگشایی و کسب غنایم فراوان متکی بود.

۲. **دیوان رسالت (دیوان رسایل):** یکی از ویژگی‌های دستگاه دیوانی در امپراتوری غزنویان، متمرکز نبودن آن در پایتخت بود. دیوان‌های مهم از جمله دیوان رسایل، در سفرهای جنگی و فتوحات سلطان همراه وی بودند (باسورث، ۲۵۳۶، ص. ۶۷). این دیوان، مرکز دستگاه اداری حکومت غزنوی بود که ثبت فرمان‌ها، نامه‌های اداری و ثبت رویدادهای ولایات و دریافت و ارسال نامه به سرزمین‌های مجاور و صدور احکام در حوزه وظایف آن بود (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۲۰۳). بنابر تاریخ یمینی، «دیوان رسایل در حکم مخزن اسرار است» (جرفادقانی، ۲۵۳۷، ص. ۳۴۳). اهمیت این دیوان که در حکم دبیرخانه برای سلطان بود، در امپراتوری غزنویان بسیار زیاد بود.

۳. **دیوان برید:** وظیفه این دیوان، انتقال خبر بود. اهمیت این دیوان در این بود که امکان اطلاع از نقاط مختلف امپراتوری را فراهم می‌کرد و بر آن شخصی به نام صاحب برید یا صاحب خبر نظارت می‌کرد. وظیفه اصلی این دیوان، ارائه گزارش کار از عملکرد والیان و دیگر کارگزاران دولتی در ولایات بود. اطلاع‌رسانی از اخبار نقاط گوناگون امپراتوری، آگاهی از ناآرامی‌ها و شکل عملکرد حکام، در کمک به امپراتوری جهت سرکوب به موقع شورش‌ها و تحکیم پایه‌های امپراتوری مؤثر بود. افزون بر این، انتقال نامه‌ها و احکام دولتی نیز از دیگر وظایف اعضای این دیوان بود (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۲۰۵).

۴. **دیوان اشراف:** این دیوان یک سازمان بازرسی برای نظارت و بازرسی بر عملکرد سایر دیوان‌ها و کارکنان آنها در مرکز و ولایات، به‌ویژه در امور مالی مربوط به هر ولایت بود. به بیانی دیگر، وظیفه دیوان اشراف، نظارت بر همه امور مالی و اداری ولایات بود (خسروبیگی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۶). افزون بر این، این دیوان وظیفه دیگری نیز داشت که به‌نوعی مکمل دیوان برید محسوب می‌شد و آن وظیفه بازرسی و جاسوسی بود تا آنها نیز آنچه را که در گوشه و کنار امپراتوری اتفاق می‌افتد، به مرکز گزارش دهند (بیهقی، ۱۳۵۶، ص. ۲۲۱). به تعبیری می‌توان گفت که اعضای این دیوان، عالی‌ترین مقام پلیس مدنی بودند که وظیفه داشتند تا اخبار محرمانه را کسب کنند و به مرکز امپراتوری اطلاع دهند (اشپولر، ۱۳۶۹، ص. ۱۲۳).

۵. **دیوان استیفا:** وظیفه این دیوان، رسیدگی به امور مالی و ثبت ارقام دخل و خرج کشور و همه درآمدهای دولتی در دفترهای مربوط بود. ریاست این دیوان با صاحب دیوان استیفا بود و وی شخصی به‌نام مستوفی را برای بررسی امور مالی به ولایات می‌فرستاد و وی گزارش خود از آن

ولایت را به دیوان استیفا می‌فرستاد. این دیوان همان وظایف دیوان خراج را در سرزمین‌های اسلامی دیگر بر عهده داشت (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۲۰۸-۲۰۷). به بیانی دیگر، مستوفیان مأموران محاسباتی امور مالی و مالیاتی یک ایالت و یا یک اداره حکومتی کشوری و لشکری بودند (خسرویگی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۷).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که با روی کار آمدن غزنویان، نوع جدیدی از امپراتوری روی کار آمد که تحت تسلط غلام‌های سرباز بود و سلاطین آن نیز خود زمانی برده بودند. این امپراتوری و نیز امپراتوری سلجوقیان، سه ویژگی داشتند:

۱. ارتش حرفه‌ای غیر بومی متشکل از غلام‌ها،
۲. نظام اداری و دستگاه دیوانی غیر متمرکز و متحرک،
۳. حمایت از فرهنگ اسلامی ایران (لایپدوس، ۱۳۸۱، ص. ۲۱۳).

بیشتر برتری آنها در امور نظامی و کشورگشایی و فتوحات بود و تجربه‌ای در امور مربوط به مملکت‌داری نداشتند، از این‌رو اداره این امپراتوری را به ایرانیان با تجربه در این زمینه واگذار کردند و به همین دلیل است که در این دوره نقش وزیر اعظم و رؤسای دیوان‌ها در انجام امور گوناگون مربوط به اداره امپراتوری به اوج خود می‌رسد و دستگاه دیوانی، بیشترین اهمیت را می‌یابد؛ یعنی دوران امپراتوری غزنویان، درخشانترین عصر برای وزیران از نظر اداره کشور است. در بخش بعدی، به شکل روی کار آمدن امپراتوری سلجوقیان و سپس دستگاه دیوانی آن می‌پردازیم.

ظهور امپراتوری سلجوقیان

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکمانان غوز و خزر بودند که در دوران حکمرانی امیران سامانی در مناطق نزدیک ماوراءالنهر و سواحل شرقی دریای خزر و دره‌های علیای سیحون و جیحون سکونت داشتند. در اوایل قرن ۵ هجری قمری تعدادی از آنان با ریاست ارسلان (پسر سلجوق) به مقابله با سلطان محمود غزنوی برخاستند، اما غزنویان موفق به شکست آنان شدند. بعد از آن، عده‌ای به خراسان و برخی به اصفهان و آذربایجان رفتند و سرانجام غزنویان در نبرد دندانقان شکست خوردند و سلجوقیان حکومت مستقلی را در محدوده جغرافیایی گسترده‌ای تشکیل دادند. طغرل اولین شخص قدرتمند از امپراتوری سلجوقیان بود که در سال ۴۲۹ هجری قمری در نیشابور حکومت خود را آغاز کرد (حلمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۸).

دولت سلجوقی در دوران اقتدار خود دومین دولت بزرگ اسلامی است که دست‌کم در سمت شرق توانست بخش زیادی از ممالک اسلامی را در یک حکومت در بیاورد. از آنجا که سلجوقیان سنی، متعصب و مطیع خلیفه عباسی در اوامر روحانی بودند، از این‌رو در زمان حکومت آنها

خلافت بغداد دوباره توانست اطاعت از فرمان‌های خود را در زمینه امور مذهبی بر این سرزمین گسترده برقرار کند (اقبال آشتیانی، ۱۳۳۷، ص. ۱۷). هدف‌های اصلی آنها پس از شکل‌گیری امپراتوری عبارت بود از: ۱. تأیید سلطه دنیایی سلطان، ۲. تجدید پیوند میان دولت و دین اسلام، ۳. نظارت بر نظام آموزشی، ۴. تأکید بر اهمیت تشکیلات کشوری که بسیار متأثر از دستگاه دیوانی سامانیان و غزنویان بود (کلوزنر، ۱۳۶۳، ص. ۱۶-۱۵).

امپراتوری سلجوقیان از بسیاری جهات شبیه امپراتوری غزنویان بود، یعنی در این امپراتوری نیز تشکیلات لشکری و توجه به امور نظامی به دلیل ادامه روند فتوحات و کشورگشایی در اولویت هدف‌های آن قرار داشت. در رأس امپراتوری همچنان فردی ترک نشسته بود و اداره امور امپراتوری را به ایرانیان سپرده بود. وزیر اعظم همانند دوران غزنویان، مهم‌ترین نقش را در امپراتوری داری داشت، قدرت سلطان نیز بر پایه نیروی غلام‌ها و قبایل چادرنشین قرار داشت و سلطان تنها در امور نظامی نظارت مستقیم داشت. گرایش به تمرکز نداشتن و اداره نقاط مختلف امپراتوری به صورت غیرمستقیم که در دوران امپراتوری غزنویان وجود داشت، در این دوران نیز ادامه یافت. با این توضیح، در بخش بعدی به توضیح دستگاه دیوانی در دوران سلجوقیان، نقش و کارکرد هریک از دیوان‌ها می‌پردازیم.

دستگاه دیوانی امپراتوری سلجوقیان

مهم‌ترین عاملی که پادشاهان سلجوقی توانستند تا قلمروی با آن وسعت را به گونه‌ای کارآمد حفظ و اداره کنند، به کارگرفتن دیوان سالاران و کارکنان ایرانی بود. در ماوراءالنهر، خراسان و عراق از این جماعت تعداد زیادی وجود داشت. سلجوقیان بسیاری از این افراد را در کار استیفا، قضاوت و سایر مشاغل گماشتند و از آنجا که خود تجربه و تخصصی در اداره امپراتوری نداشتند، این افراد نیز تقریباً تشکیلات دیوانی و اداری سامانیان و غزنویان را به همان شکل باقی گذاشتند و به غیر از پاره‌ای تغییرات، دستگاه دیوانی در این دوران، همان دستگاه دیوانی دوران غزنویان بود (اقبال آشتیانی، ۱۳۳۷، ص. ۱۹-۱۸). در هر دو امپراتوری، دستگاه دیوانی امور به شکل کامل تخصصی شده بود.

نکته دیگر در مورد اهمیت نقش وزرای اعظم در اداره این امپراتوری همانند امپراتوری سلجوقیان است. از آنجا که پیشینه غلام‌های ترک که با تأسیس امپراتوری غزنویان و سلجوقیان به بالاترین مقام‌ها و در نهایت به جایگاه پادشاه رسیدند، مبتنی بر زندگی قبیله‌ای بود، آنها تجربه زیادی در اداره مملکت و این قلمرو پهناور نداشتند. بنابراین، آنها نیازمند شیوه فرمانروایی متمرکز

ایرانیان بودند؛ در نتیجه، در دوران حکمرانی آنها جایگاه وزارت تثبیت شد (طباطبایی، ۱۳۷۵، ص. ۵۰). چنانچه مشاهده می‌شود، اهمیت وزیران اعظم در این امپراتوری نیز همانند امپراتوری غزنویان بسیار زیاد است؛ به عبارتی، آنان گردانندگان واقعی امور مملکت بوده‌اند و با تدبیر آنها کارها سرانجام می‌یافت. دستگاه‌های دیوانی گوناگون زیر نظارت وزیر اعظم فعالیت می‌کردند. اهمیت وزارت چنان بود که ثبات یا بی‌ثباتی هر یک از دیوان‌ها می‌توانست در کل نظام اداری و موفقیت یا شکست حکومت مرکزی در دوران حکمرانی سلجوقیان اثر بگذارد و شکل کار هر یک از دیوان‌ها به وزیری که در رأس آنها قرار گرفته بود، بستگی داشت. در اینجا مهم‌ترین دیوان‌ها در حکومت سلجوقیان را بررسی می‌کنیم:

۱. **دیوان عرض:** این دیوان که پرداختن به امور نظامی در حوزه وظایف آن بود، همه امور ارتش را انجام می‌داد و در رأس آن، صاحب دیوان عرض یا عارض جیش قرار داشت که نظارت بر امور نظامی، عزل و نصب مقام‌های نظامی، حفظ نظم و تعیین مقررات ارتش و پرداخت حقوق و مواجب وظیفه او بود. دیوان عرض از مهم‌ترین دیوان‌های عصر سلجوقی بود. زیرا امپراتوری سلجوقیان نیز مانند امپراتوری غزنویان بر پایه ارتش و سپاه قرار داشت. وظایف این دیوان نیز تعیین درجات سپاه، تهیه و ثبت آمار مربوط به تعداد افراد و اموال، برآورد میزان هزینه‌های مربوط به پرداخت حقوق نظامیان، تهیهٔ علوفه سپاه و تهیه تجهیزات جنگی و تدافعی در زمان جنگ بود (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۲۵۲-۲۵۱ و ص. ۲۳۱).

شیوه آرایش سپاه سلجوقی هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ، به صورت کامل مشابه امپراتوری غزنویان بود و در رأس کل تشکیلات نظامی نیز، شخص سلطان قرار داشت. سلاطین نخستین سلجوقی، ارتش ثابتی متشکل از غلامان و مزدوران نیز ایجاد کرده بودند تا از اتکای خود بر ترکمانان بکاهند. این افراد می‌توانستند از راه سلسله مراتب به بالاترین مقام‌های نظامی دست یابند (کلوزنر، ۱۳۶۳، ص. ۲۵). در عین حال، سلاطین سلجوقی می‌خواستند تا از راه تأکید بر اهمیت دستگاه دیوانی، برتری نهایی را به تشکیلات کشوری در برابر جاه طلبی‌های نخبگان نظامی بدهند (کلوزنر، ۱۳۶۳، ص. ۲۴).

۲. **دیوان طغرا:** در امپراتوری سلجوقی، وظایف دیوان رسایل و انشا بر عهده دیوان طغرا بود. این دیوان مرکز دستگاه اداری امپراتوری بود. مقصود از طغرا، خط یا نشانه‌ای است که در فرمان‌ها و احکام کشیده می‌شد و به مأمور کشیدن این خط، طغرای یا طغراکش می‌گفتند (بدیع، ۱۳۸۴، ص. ۴۸). رئیس این دیوان وزیر یا صاحب دیوان رسائل بود و در زیر دست او عدهٔ زیادی منشی و کاتب رسائل کار می‌کردند که مورد اعتماد دولت بودند. به همین سبب، دربار سلطانی آنها را

برای انجام مأموریت‌های سری و سیاسی به نقاط گوناگون امپراتوری می‌فرستاد (اقبال آشتیانی، ۱۳۳۷، ص. ۲۹-۳۰). وظایف این دیوان مانند وظایف دیوان رسایل شامل ثبت فرمان‌ها و نامه‌های اداری و رویدادهای ولایات و نیز دریافت و ارسال نامه به سرزمین‌های گوناگون امپراتوری بود. اهمیت شغل صاحب این دیوان به دلیل حضور دائمی او در نزد فرمانروا، آگاهی او از اطلاعات درباری و دیوانی، به‌ویژه اطلاعات محرمانه و نیز مورد مشورت قرارگرفتن از سوی سلطان در امور سیاسی و حکومتی بود (خسروبیگی، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۷).

۳. دیوان برید: این دیوان وظیفه رساندن اخبار و نامه‌های دولتی و گزارش‌های محلی به پایتخت را بر عهده داشت. رئیس این دیوان را صاحب دیوان برید یا صاحب برید می‌نامیدند. وی نمایندگانی را که نایب برید نام داشتند، به ولایات امپراتوری می‌فرستاد تا اخبار ولایات را به موقع به پایتخت برسانند. در این امپراتوری نیز همانند امپراتوری غزنویان، این دیوان اهمیت خاصی داشته است. زیرا به دلیل شکل اداره این امپراتوری که به صورت غیرمتمرکز بود و همچنین با در نظر داشتن این موضوع که در امپراتوری غزنویان و سلجوقیان، توجه بسیار زیاد به امور نظامی و فتوحات می‌توانست سبب غفلت آنها از توجه به امور و مسائل مربوط به ولایات بشود، ضروری بود تا نمایندگانی از مرکز به ولایات گوناگون امپراتوری فرستاده شوند تا مرکز را از امور مالی و جاری و نیز شورش‌های احتمالی در شرف وقوع در ولایات، آگاه سازند.

۴. دیوان اشراف: خواجه نظام‌الملک به‌خوبی وظایف کسانی را که در این دیوان مشغول به کار بودند در سیاست‌نامه توضیح داده است. «کسی که بر وی اعتماد تمام است او را اشراف فرمایند تا آنچه به درگاه رود، او می‌داند و به وقتی که خواهند و حاجت افتد می‌کند و این کس باید که از دست خویش به هر ناحیتی و شهری نایبی فرستد سدید و کوتاه‌دست تا اعمال و اموال را تیمار می‌دارد و آنچه رود از اندک و بسیار به علم ایشان باشد» (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۶۴، ص. ۸۴).

به بیانی دیگر، وظیفه این دیوان، بازرسی و نظارت بر امور بود که با نظارت رئیس این دیوان، یعنی صاحب دیوان اشراف انجام می‌گرفت. مشرفان افزون بر وظیفه بازرسی، به امور مالی ولایات و کارهای مربوط به دیوان استیفا نیز نظارت می‌کردند (میراحمدی، ۱۳۶۸، ص. ۲۵۴). در صورتی که مشرف کار خود را به درستی انجام می‌داد، از شورش و فساد مالی در ولایات جلوگیری می‌کرد.

۵. دیوان استیفا: رئیس این دیوان، صاحب دیوان استیفا یا مستوفی، پس از وزیر اعظم از مهم‌ترین مقام‌های کشور بود. وظیفه این دیوان، رسیدگی به امور مالی کل کشور بود. تعیین مالیات کشور و نیز مالیات هریک از ایالات، بر اساس گزارش‌های مأموران این دیوان بود. در واقع، وظایف دیوان

استیفا همان وظایف دیوان خراج در دربار خلفا بود که در امپراتوری سامانیان، غزنویان و سلجوقیان استیفا خوانده می‌شد (عقیلی، ۱۳۳۷، ص. ۱۵۳).

مستوفی مدیر امور مالی امپراتوری بود. وی مأمورانی را با عنوان نایب مستوفی از جانب خود به قلمرو خاصی می‌فرستاد تا وضعیت آن قلمرو و صورت دخل و خرج حوزه خود را اطلاع دهد (اقبال آشتیانی، ۱۳۳۷، ص. ۲۸). به دلیل وسعت امپراتوری سلجوقیان و متمرکز نبودن آن، کار مأمورانی که با عنوان‌های مختلف و با وظایف متفاوت از جانب مرکز به ولایات فرستاده می‌شدند، اهمیت زیادی داشت تا دستگاه مرکزی از اموری که در ولایات می‌گذرد، به درستی اطلاع یابد و تصمیم مناسب بگیرد.

می‌توان گفت در مجموع، میان دو امپراتوری غزنویان و سلجوقیان شباهت‌های زیادی وجود دارد و می‌توان آنها را در یک گروه قرار داد. برای نمونه در هر دو مورد، در رأس امپراتوری یک نظامی ترک قرار گرفته و بر اکثریتی غیرترک حکومت می‌کرد. زبان رسمی دربار از عربی به فارسی تغییر کرد. نیروی نظامی هر دو از غلام‌های غیربومی تشکیل شده بود. هر دو حکومت، به دلیل کشورگشایی و فتوحات گسترده به امور نظامی اهمیت بسیاری می‌دادند. وزیران اعظم نیز که دستگاه پیچیده دیوانی را اداره می‌کردند، قدرت و اختیارات گسترده در امر کشورداری داشتند.

نتیجه

ضمن مرور کلی آنچه که تا به اینجا ذکر شد، به تفاوت‌های مهم دستگاه دیوانی امپراتوری اعراب و امپراتوری غزنویان و سلجوقیان می‌پردازیم. ابتدا به چگونگی روی کار آمدن امپراتوری عباسیان پس از امویان پرداختیم تا روشن شود که شکل روی کار آمدن عباسیان چه تأثیری بر دستگاه دیوانی این امپراتوری و عضوگیری در هریک از دیوان‌ها داشت. مشخص شد، از آنجایی که عباسیان به قدرت رسیدن خود را مدیون ایرانی‌ها بودند، در حکومت آنها به برتری قوم عرب پایان داده شد و ایرانیان نقش مهمی در اداره دستگاه دیوانی این امپراتوری یافتند.

سپس به توضیح دستگاه دیوانی در این امپراتوری و نقش هریک از این دیوان‌ها در اداره امپراتوری پرداختیم و مشخص شد که مسئولان هریک از دیوان‌ها در نهایت به شخص خلیفه پاسخگو بودند و از آنجا که این دوران، دوران اداره امپراتوری به جای امپراتوری‌سازی بود، خلیفه نیز فرصت کافی برای پرداختن به امور گوناگون مربوط به اداره امپراتوری را داشت.

سپس به شکل روی کار آمدن حکومت‌های مستقل در شرق امپراتوری عباسیان پرداختیم و اشاره کردیم که پس از روی کار آمدن حکومت‌هایی مانند طاهریان، صفاریان و سامانیان، نوبت به غزنویان رسید. پس از توضیح چگونگی به دست آوردن قدرت غزنویان و پرداختن به دستگاه

دیوانی آنها، مشخص شد که در این مورد نیز با وجود اینکه به جای خلیفه عرب امپراتوری عباسیان، یک چهره ترک غیرایرانی در رأس امپراتوری قرار دارد، اما همچنان اداره امپراتوری بیشتر در دست دستگاه دیوانی در کنترل ایرانیان باقی ماند.

در نهایت نیز، چگونگی روی کار آمدن سلجوقیان و دستگاه دیوانی آنها بررسی شد و گفته شد که شکل اداره امپراتوری در این دوره تداوم همان الگوی مملکت‌داری غزنویان بود و از این رو است که آنها را در یک قالب کلی مورد بررسی قرار دادیم و آن را با امپراتوری عباسیان مقایسه کردیم. در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین وجوه تفاوت دستگاه دیوانی در امپراتوری عباسیان در مقایسه با امپراتوری غزنویان و سلجوقیان چیست؟ این سه مورد قابل توجه است:

۱. امپراتوری عباسیان، امپراتوری متمرکزی بود، به این معنی که دستگاه دیوانی و مقام‌های هر یک از دیوان‌ها در پایتخت تمرکز داشتند و از آنجا امور مربوط به اداره امپراتوری را انجام می‌دادند. بسیاری از ولایات نیز به شکل مستقیم از سوی مرکز اداره می‌شد. فرمانداران هر یک از ولایات برای مدت مشخصی منصوب می‌شدند و از نظر شغلی به خلیفه وابسته بودند. مرکز با استفاده از مأموران دیوان برید بر امور ولایات کنترل داشت. شاید یکی از دلایل این امر این بود که در حکومت عباسیان، فتوحات و کشورگشایی به پایان رسیده بود و خلیفه در رأس امپراتوری، فرصت داشت تا بر شکل کارکرد دیوان‌های گوناگون نظارت داشته باشد.

در مقابل، یکی از ویژگی‌های امپراتوری غزنویان و سلجوقیان گرایش به متمرکز نبودن و نظارت حکومت مرکزی بر بخش‌های مختلف امپراتوری به شکل غیرمستقیم بود و فرمانداران ایالات در اداره امور مربوط به قلمرو خود، اختیار زیادی داشتند. به همین ترتیب، دیوان‌های مهم دولت نیز در یکجا ساکن نبودند و در فتوحات نظامی که در دوران امپراتوری ترکان تداوم داشت، همراه سلطان بودند. به دلیل مشغول بودن سلطان به امور نظامی بود که در این دوران، دیوان‌های گوناگون در برابر وزیر اعظم پاسخگو بودند و او بالاترین مقام مملکت در امور مربوط به اداره امپراتوری بود،

۲. تفاوت دیگر حکومت عباسیان با غزنویان و سلجوقیان، در میزان اهمیت امور نظامی در هر یک از این امپراتوری‌ها بود. در حالی که در امپراتوری عباسیان، پایان فتوحات اعلام شد و تمرکز بر

جنبه‌های مختلف شکل اداره مناسب این امپراتوری قرار گرفت و ارتش کوچک شد، در امپراتوری غزنویان و سلجوقیان، دیوان عرض و امور نظامی اهمیت بسیاری یافت و مقام‌های نظامی و دسته‌های مختلف سواره نظام و پیاده نظام، زیر نظر عارض و در نهایت سلطان، به فعالیت مشغول بودند و اهمیت امور نظامی تا اندازه‌ای بود که حتی سایر دستگاه‌های دیوانی، به‌ویژه دیوان‌هایی که در ارتباط با امور مالی ایجاد شد، به‌دلیل کشورگشایی و غنایم فراوان به‌دست آمده ناشی از این فتوحات بود.

۳. تفاوت نهایی نیز در تعدد دیوان‌ها در حکومت عباسیان در مقایسه با امپراتوری غزنویان و سلجوقیان بود. اگرچه در هر دو مورد، دیوان‌هایی مانند دیوان عرض، رسایل، برید، اشراف و استیفا وجود داشت؛ اما در امپراتوری عباسیان، باز به‌دلیل توقف فتوحات و تمرکز بر اداره امپراتوری، افزون بر این دیوان‌های اصلی، دیوان‌های فرعی دیگری با وظایف جزئی‌تر نیز شکل گرفت. دیوان‌هایی مانند دیوان جهیزه که به‌نوعی مربوط به امور بانکداری بود، دیوان موارث و دیوان آب از جمله این دیوان‌ها بود که در امپراتوری ترکان، کمتر نامی از آنها برده شده است. در مجموع، به‌نظر می‌رسد که این سه مورد مهم‌ترین تفاوت‌های دستگاه دیوانی در امپراتوری عباسیان، امپراتوری غزنویان و سلجوقیان بوده است.

منابع

۱. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طبا (طبا) (۱۳۶۰)، **تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت های اسلامی**، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، **تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی**، ترجمه مریم میراحمدی و جواد فلاطوری، جلد اول و دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. اقبال آشتیانی، عباس، **تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه**، تهران: کتابخانه خیام.
۴. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۳۷)، **وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی**، از تاریخ تشکیل این سلسله تا مرگ سلطان سنجر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵. باسورث، کلیفورد ادموند (۲۵۳۶)، **تاریخ غزنویان**، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. بدیع، منتخب الدین (۱۳۸۴)، **عتبه الکتبه**، به کوشش عباس اقبال آشتیانی و محمد قزوینی، تهران: اساطیر.
۷. بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین (۱۳۲۴)، **تاریخ بیهقی**، مصحح دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
۸. بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین (۱۳۵۶)، **تاریخ بیهقی**، به کوشش علی اکبر فیاض، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
۹. جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر (۲۵۳۷)، **ترجمه تاریخ یمینی**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. حلمی، احمد کمال الدین (۱۳۸۴)، **دولت سلجوقیان**، ترجمه دکتر عبدالله ناصری طاهری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. خسرویگی، هوشنگ (۱۳۸۸)، **سازمان اداری خوارزمشاهیان**، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۲. خضری، احمد رضا (۱۳۷۸)، **تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه**، تهران: سمت.
۱۳. خواجه نظام الملک ابوعلی حسن طوسی (۱۳۶۴)، **سیرالملوک (سیاست نامه)**، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. خوارزمی، ابو عبدالله محمد (۱۳۶۲)، **مفاتیح العلوم**، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳)، **تاریخ ایران بعد از اسلام**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، **روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی)**، تهران: انتشارات سخن.
۱۷. طباطبایی، جواد (۱۳۷۵)، **خواجه نظام الملک**، تهران: چاپ بهزاد.
۱۸. عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظام (۱۳۳۷)، **آثارالوزراء**، به تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. کانپوری، محمد عبدالرزاق (۱۳۴۸)، **برمکیان یا دورنمائی از عصر طلائی اسلام و دستگاه خلفای عباسی**، ترجمه سید مصطفی طباطبائی و رام.ه. بودراجا، تهران: کتابخانه سنائی.

۲۰. کلوزنر، کارلا (۱۳۶۳)، **دیوان سالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۱. گردیزی، ابو سعید (۱۳۴۷)، **زین الاخبار**، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۲. لاپیدوس، آیرا ماروین (۱۳۸۱)، **تاریخ جوامع اسلامی**، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۳. میراحمدی، مریم (۱۳۶۸)، **نظام حکومت ایران در دوران اسلامی**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۴. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۵۶-۱۳۴۳)، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.